

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

مصاحبه با سه نویسنده، فیلسوف و جامعه شناس  
برگردان: باقر جهانیانی  
۲۱ فبروری ۲۰۲۵

## بنای کمونیسم از همین امروز! چگونه؟



ما از صفر شروع نمی کنیم. تصور کردن کمونیسم به عنوان چیزی که ابتداء به مرحله سوسیالیستی نیاز دارد یک اشتباه ستراتیژیک است. در واقع، کمونیسم در جوامع ما فعال است. این که فکر کنیم کمونیسم فقط پس از تصرف قدرت دولتی می تواند اتفاق بیفتد، انکار وجود یک طبقه انقلابی در درون سرمایه داری است ...

مشکل محیط زیست، نقش دولت و تصرف حاکمیت، سوسیالیسم و کمونیسم، میراث کمونیستی از "قبل موجود" و مسأله به روز کردن آن در قلب ایجاد آلترناتیوی برای سرمایه داری قرار دارد.

برنارد واسور چنین توضیح می دهد: " توجه به یک حزب کمونیست، پذیرفتن این واقعیت است که در جامعه امروز، افرادی هستند که برای گذار از سرمایه داری تلاش می کنند".

از انتشار مانیفست کمونیست کارل مارکس در سال ۱۸۴۸ تا انتخاب دونالد ترامپ در سال ۲۰۲۴، چهره جهان بسیار تغییر کرده است. چگونه کمونیسم راهی برای ایجاد بدیل هائی در مبارزات و در حکومت نشان می دهد؟ سه نویسنده در مورد " کمونیسم آینده" در جشن اومانیته سپتمبر ۲۰۲۴ به بحث و مناظره پرداختند.

چه چیز تازه ای در باره کمونیسم مطرح است؟

اریک لولان نویسنده: (Éric Le Lann) برای نشان دادن هدف و خواست کمونیستی مورد نیاز امروز، من از مشکل محیط زیست، موضوع واقعاً اساسی برای تمام بشریت شروع می‌کنم. من در کتابم ایده امنیت اجتماعی محیط زیستی را مطرح کردم. در این راستا ابتداء باید موانعی را شناسائی کنیم که مانع پیشرفت ما می‌شوند. چرا سی و دو سال پس از کنوانسیون ریو، عموم مردم در سرتاسر جهان در شرایطی وحشت انگیز به سر می‌برند؟ چندین سال است که شاهد یک تخریب واقعی این کنوانسیون هستیم. این انسدادهای حتی باعث ایجاد پروتکل کیوتو در دسامبر ۱۹۹۷ شد که منجر به توافق نامه‌های غیر الزام آور پاریس در دسامبر ۲۰۱۵ گردید. آیا همه کشورهای در این امر به یک اندازه مسؤول هستند؟

من اینطور فکر نمی‌کنم؛ ایالات متحده آمریکا مسؤولیت زیادی دارد. موضوعی که بندرت در رسانه‌ها به آن اشاره می‌شود، این کشور که یکی از بزرگترین تولیدکنندگان دی‌اکسیدکربن در جهان است و در عین حال به بزرگترین تولید کننده و صادرکننده هیدروکربن تبدیل شده است. نه تنها ایالات متحده رکورد دار مصرف مواد نفتی است، بلکه بخش هائی مانند تولید گاز شیست و غیره را نیز توسعه داده است.

### حل مسائل زیست محیطی چرا به کمونیسم نیاز دارد؟

اریک لولان: در مواجهه با وضعیت اضطراری زیست محیطی، باید سلطه‌های سیاسی و اقتصادی را که ما را به شکست سوق داده است، به نبرد فرا خوانیم. رفع نیازهای مردم و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای موضوع مبارزه طبقاتی است. این موضوع حق برخورداری از انرژی به عنوان یک کالای مشترک و ظرفیت‌های خلاق انسان برای توسعه را مطرح می‌کند.

در این راستا، کسانی که ادعای کمونیست و چپ دارند باید از EPR، راکتور اتمی پر قدرت استقبال کنند که برای چندین دهه انرژی بدون کربن در اختیار ما قرار می‌دهد! دو کمونیست بنام فرانسوی مارسل پل وزیر و دانشمند فردریک ژولیو کوری را به یاد آوریم که منشأ بخش قدرتمند انرژی بدون کربن و استفاده غیرنظامی از انرژی هسته‌ای فرانسه بودند. این نشان می‌دهد که سیاست‌های قوی و منسجم دولتی در سطح ملی و بین‌المللی ضروری است. به نظر من، کمونیسم قرن ۲۱ نباید از دولت و قدرت فرار کند.

بنابراین مسأله کمونیسم از واقعیت عینی کنونی برمی‌خیزد. چرا باید به چیزی که شما کمونیسم "از قبل موجود" می‌نامید تکیه کنیم؟

برنارد واسور فیلسوف و نویسنده: Bernard Vasseur ما در جامعه کمونیستی نیستیم. در غیر این صورت متوجه آن می‌شدیم... پس چگونه می‌توانیم کمونیسم را متصور شویم؟ از زمان مارکس که آن را در کتاب معروف مانیفست کمونیست در سال ۱۸۴۸ تئوریزه کرد، کمونیسم به عنوان یک مبارزه سیاسی تعریف شده است.

بنابراین سؤال این است که چگونه می‌توان کمونیسم را به‌روز کرد، به عبارت دیگر آن را در یک موقعیت تاریخی مشخص، ضد سرمایه‌داری نمود. این تمام هدف کتاب من است که با برنارد فریو نوشته شده است. به نوبه خود، زمانی که استاد فلسفه بودم از طریق خواندن مارکس به کمونیسم رسیدم. سپس به حزب کمونیست پیوستم.

اولین چیزی که در آن دوران کشف کردم این بود که به جای کمونیست صحبت از شناسائی "پیش‌شرط"ها برای ایجاد کمونیسم بود و از کمونیسم فقط چند بندی در کنگره‌ها نام برده می‌شد. به عنوان مثال من به یاد دارم که در سالهای ۷۰، در دوران "برنامه مشترک" قرار بود "دموکراسی پیشرفته" فعال شود و "راه سوسیالیسم" را باز کند. رهبران برای من توضیح دادند که کمونیسم یک افق است. آزار دهنده آن که هر چه به افق نزدیک تر می‌شدیم عقب تر می‌رفت!

شرم آور است که حزبی باشی که خود را کمونیسم می نامد و آن را مناسب روز و در دستور کار ندانی. بنابراین، وقتی برنارد فریوت را خواندم، همفکری پیدا کردم که می گفت: "کمونیسم اکنون است." و نه تنها اکنون است، بلکه جنبش کارگری قرن بیستم وقت خود را تلف نکرده و حتی بیشتر از آن فتوحاتی نیز داشته است. "کمونیسم" شکست نخورده، بلکه کمونیسم "از قبل موجود" در درون ساختار سرمایه داری پس روی داشته است.

نبرد برای کمونیستی "از قبل موجود" در تمام متون مارکس یافت می شود. در کاپیتال، برای مثال در تحلیلی که به کمون پاریس اختصاص داده شده است. از جمله همه مبارزاتی که در جامعه سرمایه داری منجر به کسب امتیاز می شود. ژان ژورس از فرمول "بذر کمونیست" در جامعه سرمایه داری استفاده کرده است.

این ایده بذر کمونیسم را نیز در نوشته های لنین می یابیم. بنابراین، کمونیستی "از قبل موجود" یک مفهوم کاملاً مارکسیستی است و ما آن را در آثار برنار فریو نیز پیدا می کنیم. پس چرا ما امروز اینقدر در مورد این مفهوم حساس هستیم؟ این سنت زیبا با همه جوش های کمونیستی در شرایط کنونی ادامه دارد.

**کتاب شما شامل فصلی در مورد "انحطاط دولت" است. چگونه این انحطاط تسخیر دولت را مطرح می کند؟**

برنارد فریو اقتصاددان، جامعه شناس و نویسنده: ما از صفر شروع نمی کنیم. تصور کردن کمونیسم به عنوان چیزی که ابتداء به مرحله سوسیالیستی نیاز دارد یک اشتباه ستراتیژیک است. در واقع، کمونیسم در جوامع ما فعال است. این که فکر کنیم کمونیسم فقط پس از تصرف قدرت دولتی می تواند اتفاق بیفتد، انکار وجود یک طبقه انقلابی در درون سرمایه داری است.

تصور این است که فقط یک طبقه به خودی خود وجود دارد که آن هم بورژوازی است، و از سوی دیگر، هر از گاهی موازنه های قدرت مطلوبی به وجود می آید، اما طبقه ای وجود ندارد که بتواند بدیل هائی را ایجاد کند. سرمایه داری ساختاری نیست که خود را به طور یکسان بازتولید کند. کلمه اصلی مارکس برای توصیف سرمایه داری "سلطه" نیست.

این موضوع را به بورديو می سپاریم. مارکس از اصطلاح "تضاد" استفاده می کند. در این تضاد درونی سرمایه داری، طبقه ای قادر به ایجاد آلترناتیو است. حتی جایگزین های پایداری در حال ایجاد هستند که طبقه حاکم آشکارا علیه آنها بسیج می شود، اما ترویج نکردن، به روزرسانی و تعمیم ندادن بدیل ها کاملاً غیرمسئولانه است.

این واقعیتی است که مثلاً دستمزد و حقوق، مشخصه ای فردی است و نه یک قرارداد کار و فعالیت، که بر اساس فرمان پذیری پرداخت می شود. هنگامی که امبرواز کروزا \*\*\*\* Ambroise Croizat تمام پیوندهای بین حق بیمه و محاسبه حقوق بازنشستگی را در سیستم عمومی حذف کرد، این یک دستاورد کمونیستی بود که تا سال ۱۹۴۶ ادامه داشت. مبارزه طبقاتی می تواند آلترناتیو کمونیستی ایجاد کند.

اگر کمونیسم عینی و ملموس نباشد، ما در توهم مذهب گونه یک باور هستیم. صحبت از طبقه تحت سلطه را کنار بگذاریم زیرا تمام حقوقی که ما در کشورمان به دست آورده ایم از طریق بسیج این طبقه به دست آمده است. هیچ یک از آنها از بالا و به لطف یک دولت خوب که سیاست های خوبی را تحت رهبری یک طبقه حاکم خوب انجام داده، به دست نیامده است.

اینها همه شوخی است. اگر ما وابسته به قرارداد کاری با شرکت برق فرانسه EDF، یا انرژی اتومی فرانسه Areva باشیم، چگونه انتظار داریم که یک انقلاب زیست محیطی ایجاد کنیم؟ ما قادر نخواهیم بود که تغییری در دیدگاه زیست محیطی حاکم به وجود آوریم. فتوحات کمونیستی، بار دیگر تکرار می کنیم، امری تعیین کننده است.

**برنارد واسور:** من فقط می‌خواهم یک کلمه به آنچه که برنارد فریو گفت اضافه کنم. گاهی به ما گفته شده است که مارکس در کتاب سرمایه به کارگران توضیح می‌دهد که آنچه باید انجام شود لغو کار مزدی است. پس سؤال این است که آیا می‌توان دستمزد و حقوق کمونیستی ایجاد کرد؟

در واقع، در زمان او، کار دستمزدی اختراع سرمایه‌داری و راهی برای تسلط بر نیروی کار بود که انسان‌ها به آن تن دادند و جایگاهشان تقلیل یافت. بنابراین ناگفته نماند که مارکس متفکر کمونیسم خواستار لغو این نظام دستمزدی شد. بحث حذف دستمزد نیست، بلکه حذف جنبه سرمایه‌داری دستمزد است. حقوقی که به شخص مرتبط است و نه دیگر به بازار یا رئیس شرکت، حقوق کمونیستی است.

**برنارد فریو:** همهٔ ابتکاراتی که در کتاب خود ذکر می‌کنیم به مالکیت کمونیستی نیز مربوط می‌شود، با کمونیست "از قبل موجود" که باعث تضعیف و کاهش دولت می‌شود. بیانیید مسئولیت آنها را بر عهده بگیریم، چشم‌هایمان را به همه این چیزهای "از قبل موجود" نبندیم تهاجمی رفتار کنیم تا اعتماد به نفس و پویایی را باز یابیم که امید آفرین است. **اریک لولان:** اگر بخواهیم دربارهٔ ارزیابی کمونیسم در قرن بیستم، مالکیت کمونیستی "از قبل موجود" را در نظر بگیریم، موافقم، بیانیید میراث را دست کم نگیریم. از این منظر، فتوحات اجتماعی متعددی وجود دارد. اما در مقیاس بشری باید به شکست ایدئولوژی نازی و سازمان نژادپرستانه جهان نیز اشاره کرد.

همچنین می‌توان کمونیسم را به مفهوم گسترده‌تری از حقوق بشر نسبت داد که شامل حقوق اجتماعی نیز می‌شود. هایک، نظریه پرداز بزرگ تهاجم نئولیبرال، در اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ میراث انقلاب مارکسیستی روسیه را دید. هدف هجوم نئولیبرالیسم همچنان، پایان دادن به کمونیسم است.

و ما در کشوری هستیم که برنامهٔ درسی رسمی تاریخ برای دانش‌آموزان دبیرستانی کمونیسم، فاشیسم و نازیسم را در کنار هم قرار داده است. البته هدف ضربه زدن حزب کمونیست است. اما فراتر از آن، دستبرد و سلب مالکیت تاریخ و مبارزات طبقات مردمی مورد نظر است تا بر اساس قرائت دیگری از تاریخ، گویا این دموکراسی غربی است که پی در پی بر توتالیتریسم‌های مختلف پیروز می‌شود. اما بیانیید به رکورد واقعی چین نگاه کنیم. امروزه، امید به زندگی در چین بیشتر از ایالات متحده که همچنان در حال کاهش است می‌باشد.

**برنارد واسور:** در مورد چین و کمونیسم، من متون آخرین کنگرهٔ حزب کمونیست چین را به دقت خوانده‌ام. به گفتهٔ شی جین پینگ، ما در مرحلهٔ اولیهٔ سوسیالیسم هستیم، یعنی ساختن جامعه‌ای با فراوانی متوسط. در مورد کمونیسم، این آرمانی است که فقط در بهشت وجود دارد. این چیزی است که خود چینی‌ها امروز در مورد آن می‌گویند...

**تعریف شما از کمونیسم چیست؟ چگونه آن را به روز کنیم؟**

**برنارد فریو:** ما باید تمام آنچه را که طبقهٔ کارگر در کشور ما ساخته و "از قبل موجود" است رابه روز کنیم: تعمیم حق دستمزد به عنوان یک ویژگی شخص، حذف پیش‌وام به عنوان پیش‌پرداخت در سرمایه‌داری. تمام اعتبارها به جز آنچه برای ایجاد کار ضروری است باید حذف شود. بله، ما باید مسئولیت دفاع از میراث کمونیستی در این کشور را به عهده بگیریم.

**برنارد واسور:** بنابراین، باید میراث کمونیستی را به رسمیت بشناسیم. ما به وضوح می‌بینیم که در جامعهٔ امروز، شرکت‌های زیادی وجود دارند که اینجا و آنجا رشد می‌کنند و سعی می‌کنند چیزی غیر سرمایه‌داری اختراع کنند، البته هنوز در حاشیه هستند. آنها منطق غیر سرمایه‌داری را برای فرار از رقابت، مالکیت خصوصی ابزار کار یا بهره‌وری - که منجر به ویران شدن کرهٔ زمین و غیره می‌شود - را ترویج می‌کنند.

بنابراین، توجه امروز برای یک حزب کمونیست قبول این واقعیت است که در جامعه امروز، افرادی هستند که برای گذار از سرمایه داری تلاش می کنند. ما باید برای گرد هم آوردن آنها تلاش کنیم. کمونیسم دیگر تیول حزب کمونیست نیست. و من فکر می کنم این چیزی است که باید درک شود و توسعه یابد.

**اریک لولان:** در ۱۵ اگست ۲۰۲۴، دونالد ترمپ در مبارزات انتخاباتی برای ریاست جمهوری امریکا در مورد افتادن به آغوش سیستم کمونیستی که در آن " همه به مراقبت های بهداشتی دسترسی خواهند داشت" ، هشدار داد. ترمپ به این ترتیب به کامالا هریس نامزد دموکرات حمله می کرد.

تقریباً همه ما می توانیم این تعریف ترمپ از کمونیسم را نقل کنیم! به تعبیری فیلسوفانه تر، مارکس آن را چنین خلاصه می کند: "ما خود را با یک اصل جدید به جهان معرفی نمی کنیم. این حقیقتی است که به زانو درآمده است". اگرچه همیشه با نظرات فیلسوف ایزابل گارو موافق نیستم اما این گفته وی را قبول دارم که برای او "کمونیسم تصاحب مجدد نیروهای اجتماعی توسط بشریت است". به نظر من این جمله کمونیسم را به خوبی تعریف می کند.

\*\*\*\*\*

**Éric Le Lann** \*نویسنده "کمونیسم، راهی برای آینده، نشر مانیفست، ۲۰۲۴

**Bernard Vasseur** \*\*فیلسوف و نویسنده مشترک کمونیسم آینده، نشر La Dispute ، ۲۰۲۴

\*\*\***پرنارد فریو** اقتصاددان، جامعه شناس و نویسنده همکار در نگارش کتاب کمونیسم آینده، نشر La Dispute ،

۲۰۲۴

\*\*\*\*به عنوان وزیر کار از نومبر ۱۹۴۵ تا مه ۱۹۴۷ در دولت شارل دوگل، سیستم عمومی تأمین اجتماعی در قلمرو فرانسه را ایجاد کرد. به او لقب "وزیر کارگران" داده شد.

منبع: لوموند دیپلوماتیک

شنبه ۲۷ بهمن - دلو - ۱۴۰۳